



## ابعاد گفتمان هدایت و آگاهی‌بخشی

### در راهبردهای فرهنگی امام جواد (علیه السلام)

دریافت: ۱۴۰۳/۲/۴ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۷

سید علاء‌الدین شاهرخی<sup>۱</sup>، بهزاد پاکدل<sup>۲</sup>، غلامرضا رحیمیان<sup>۳</sup>

#### چکیده

سعادت بشر علاوه بر عقل نیازمند هدایت توسط پیشوایانی است که برخوردار از فضایل اخلاقی و کمالات انسانی باشند؛ بر اساس باور شیعیان اثنی عشری، امامان معصوم افرادی شایسته و منصوب پروردگار بوده و مسئولیت هدایت مردم را بر عهده داشته‌اند. امام جواد (علیه السلام) در یکی از حساس‌ترین ادوار تاریخ اسلام که مجموعه‌ای پیچیده از موانع و مشکلات داخلی مربوط به شیعیان و خارجی (خلافت عباسی) اطراف ایشان را فراگرفته بود و در حالی که تنها هفت سال داشت، مسئولیت امامت و هدایت مردم را بر دوش گرفت. از این رو ضرورت دارد به منظور کسب آگاهی و معرفت، چگونگی مواجهه امام در هر بخش به دقت مورد ارزیابی و مطالعه قرار گیرد.

مسئله اساسی این پژوهش آن است که امام در گفتمان خود با جریان‌ها و گروه‌های مختلف چگونه و با چه راهبردهایی به آگاهی‌بخشی، معرفت‌شناسی و افزایش شناخت آنان اقدام کرد؟ اقدامات ایشان برای هدایت نخبگان و مردم در مواجهه با دسایس خلافت عباسی، اندیشه‌ها و افکار مختلف و گاه انحرافی و التقاطی چه بود؟ روش تحقیق در این مقاله، تحلیلی-توصیفی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که راهبرد ارشادی و هدایتگری امام جواد (علیه السلام) استفاده از استدلال، گفتمان منطبق بر قرآن و سنت، جلب اعتماد مردم، بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود حتی در دربار عباسیان برای آگاهی مردم از اسلام راستین، تبیین جایگاه اهل بیت (علیهم السلام)، تبیین مظالم دستگاه خلافت، شانه خالی نکردن از مسئولیت، انتشار معارف الهی و ایجاد آمادگی برای دوران غیبت بود.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، اهل بیت (علیهم السلام)، امام جواد (علیه السلام)، راهبردهای فرهنگی، هدایتگری.

shahrokhi.a@lu.ac.ir

behzad1353pakdel@gmail.com

reza\_sig@yahoo.com

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان، لرستان، ایران (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه لرستان، لرستان، ایران.

۳. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه لرستان، لرستان، ایران.

## ۱. مقدمه

## ۱-۱. بیان مسئله پژوهش

هدایت راستین، کمال واقعی و سعادت آرزو و خواسته همیشگی بشر بوده است؛ در این راستا در طول تاریخ، اندیشمندان، متفکران و مصلحانی برای پاسخگویی به این نیاز تلاش کرده‌اند. دقت و بررسی اهداف خداوند متعال در ارسال پیامبران و به‌ویژه رسول گرامی اسلام که آخرین پیامبر الهی بود، گویای این واقعیت است که مهم‌ترین محورها، نیل به کمالات معنوی، ایجاد تحولات عمیق معنوی در مردم و پذیرش خُلق الهی و ایجاد عدالت در جامعه است. فرستادگان خداوند برای تحقق این ارزش‌های الهی همواره با چالش‌های متعددی مواجه بوده‌اند؛ اما مهم این بود که حضورشان در جامعه، همواره فیض‌بخش انسان‌های باایمان بود. آن‌ها علاوه بر اینکه برای مردم الگویی جامع در عرصه زندگی فردی، اجتماعی و اعتقادی بودند پیام وحی را نیز به اشکال گوناگون به آنان انتقال می‌دادند.

کتاب آسمانی قرآن در این راستا برنامه جامع‌تری را برای هدایت انسان‌ها به صراط مستقیم که موجب هدایت راستین یا همان حیات طیبه است، ارائه و می‌فرماید: "هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمال که انجام می‌دادند، خواهیم داد" (التَّحَلُّ، ۹۷). توضیح اینکه با هدایت جامعه بشری و حاکمیت حیات طیبه در جامعه بشری آرمان مطلوب بشر محقق خواهد شد؛ به‌گفتار دیگر یعنی "جامعه‌ای که با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی قرین است و از نابسامانی‌ها و درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار و ظلم و طغیان و هواپرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید و آسمان زندگی را تیره و تار می‌سازد، در امان است" (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۳۹۰).

با رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) موضوع رسالت خاتمه یافت؛ اما وجود رهبران الهی برای

استمرار و تکمیل اهداف پیامبر کاملاً ضروری بود. در حقیقت ابعاد وجود امامان معصوم در راستای غایت بعثت در جامعه است؛ البته در راستای اثبات امامت دلایل بسیار عقلی و نقلی وجود دارد که در کتاب‌های مرتبط به تفصیل ذکر شده است. آنچه پس از رحلت رسول گرامی اسلام بر جامعه اسلامی گذشت و پس از آن در قالب خلافت امویان و عباسیان نمایان شد به روشنی گویای نیاز به هدایت‌گران باتقوا در رأس مدیریت جامعه اسلامی بود تا گرفتار حاکمان و خلفای فاسد، ظالم و نالایق نمی‌شدند. از دیدگاه قرآن مجید، حضرت ابراهیم (علیه السلام) که پدر مسلمانان خطاب می‌شود الگوی مجاهدت و رهبری مردم برای تحقق ارزش‌های الهی در جامعه است؛ چنان‌که می‌فرماید: "و حق جهاد در راه او را (با دشمنان دین و با نفس اماره) به جای آرید (و در طلب رضای او به قدر طاقت بکوشید) او شما را برگزیده (و به دین خود سرفراز کرده) و در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج نهاده (و این آیین اسلام) مانند آیین پدر شما ابراهیم (خلیل است)، او (خدا) شما امت را پیش از این (در صحف او) و در این قرآن مسلمان نامیده تا این رسول بر شما و شما بر سایر خلق گواه (خداپرستی) باشید، پس نماز به پا دارید و زکات بدهید و به خدا (و کتاب او) متوسل شوید، که او مولی (و پادشاه و نگهبان و حافظ و ناصر) شماست و نیکو مولی و نیکو ناصری است" (حج، ۷۸). بدیهی است که در این جریان مهم امام به عنوان انیس رفیق و پدر دلسوز امت دارای جایگاه بسیار مهمی است، چنان‌که امام رضا (علیه السلام) فرموده است: "امام یاری دلسوز، صحابی و پدری مهربان و برادری کامل...» (عطاردی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۶۹).

امامت از نگاه موافقان و مخالفانش در میان جوامع اسلامی نیز همواره مطرح بوده است؛ برخی اندیشمندان مسلمان بر این باورند که امامت مهم‌ترین و حساس‌ترین موضوع مورد گفت‌وگوی مسلمانان در طول تاریخ اسلام بوده است و اظهار می‌دارند که: "هیچ یک از آموزه‌های دینی در هیچ زمانی مانند امامت مورد بحث و نزاع واقع نشده است" (شهرستانی، بی تا، ج ۱: ۲۲). شیعیان که باور به امامت الهی دارند با استناد به کلام وحی و سیره نبوی اظهار می‌دارند کسی که مهتدی و بر محور حق نباشد، نمی‌تواند هادی دیگران باشد؛ از این‌رو در حدیثی از پیامبر اسلام که مورد وثوق و تأیید علمای شیعه و اهل سنت است درباره علی (علیه السلام) چنین آمده است: "علی مع الحق و الحق معه؛ علی

با حق است و حق با علی<sup>۱</sup> است" (خزاز قمی ۱۴۰۱ق: ۲۰؛ ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۶۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۲: ۴۱؛ هیثمی، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۲۳۵)؛ بدیه است که منشأ حق از جانب خداوند متعال است و در کتاب وحی به این موضوع تصریح شده است: "الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ، حق از جانب پروردگار تو می‌باشد (آل عمران، ۶۰)؛ پس نتیجه گرفته می‌شود که امامت از جانب پروردگار است؛ زیرا آنکه حق از او نشئت گرفته، سبب ظهور آن است (سید ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ج ۱: ۱۰۳).

## ۲-۱. اهداف، ضرورت و روش تحقیق

امام جواد (علیه السلام)، نهمین امام شیعیان دوازده امامی است که در وضعیتی استثنایی و در سن کودکی در یکی از پیچیده‌ترین و دشوارترین شرایط عهده‌دار امامت جامعه اسلامی شد؛ افزون بر مأمون، خلیفه عباسی که در چهره حکومتی هوشمندانه قصد داشت رابطه امام را با پیروان شیعه‌اش دچار چالش کند، سن کم ایشان مزید بر علت شده بود که او علاوه بر وضعیت جهان اسلام که دچار بحران بود در داخل شیعیان نیز با موانع و حتی جریان‌های مخالف مواجه شود. از یک جانب وجود اختناق و فشار سیاسی و محدودیت‌های دستگاه خلافت و از جانب دیگر وجود جریان‌های مختلف کلامی، فکری و اجتماعی میان مسلمانان و سرانجام فرقه‌های مختلف در میان شیعیان انبوه از مشکلات را در برابر ایشان قرار داده بود. ضرورت دارد چگونگی مواجهه امام و راهبردهای فرهنگی ایشان با این چالش‌ها با وجود یاران اندک و محدودیت‌های گسترده مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد تا بتوان از شیوه‌های کارآمد گفتاری و عملی او الگوگیری کرد. این راهبردها می‌تواند برای اندیشمندان و محققان در رفع مشکلات معاصر راهگشا بوده و شرایطی فراهم آورد که بتوانند با اتخاذ راهبردهای فرهنگی کارآمد و اثرگذار راه حل-های ارشادی فکری هدایت‌گر در جامعه اسلامی امنیت و آسایش ایجاد نمایند.

نسنله اساسی این پژوهش تبیین، تشریح و فهم مواضع امام جواد (علیه السلام) در برابر مجموعه‌ای از وقایع و چالش‌های درونی (جامعه شیعه) و بیرونی (جامعه اسلامی) است. اهداف این

پژوهش الف) آگاهی یافتن از سیره این امام معصوم و ب) امکان استنباط و الگوگیری از نحوه موضع گیری ها و راهبردهای فرهنگی امام در شرایط گوناگون است. این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

### ۳-۱. پیشینه تحقیق

به طور مشخص پژوهشی مستقل در موضوع ابعاد گفتمان هدایت و آگاهی بخشی در راهبردهای فرهنگی امام جواد (علیه السلام) تا کنون انجام نشده است، اما برخی پژوهش ها در مورد فعالیت های فرهنگی امام جواد (علیه السلام) به رشته تحریر درآمده است که در ادامه به آنها اشاره می شود.

عاملی (۱۴۲۵ق) در کتاب الحیاه السیاسیه للامام الجواد، زندگانی این امام را بر محور فعالیت های سیاسی ایشان بررسی کرده است که بالطبع موضوعات دیگر از جمله مباحث فرهنگی چندان مورد توجه قرار نگرفته اند.

عطاردی (۱۴۱۰ق) در کتاب مسند الامام الجواد ابی جعفر محمد بن علی الرضا (علیه السلام)، روایت آن حضرت را گردآوری کرده است که برخی از آنها در حوزه فعالیت های فرهنگی ایشان می تواند احصا شوند و مورد بررسی قرار گیرند.

مادلونگ (۱۳۸۵) در مقاله ای امام محمد بن علی الجواد (علیه السلام)، مشخصات فردی، ازدواج و اختلاف امت پس از شهادت امام رضا (علیه السلام) بر سر امامت امام جواد را مورد بررسی قرار داده است. البته این مباحث نیز دقیق و کامل مطرح نشده اند؛ ضمن اینکه برخی محورها همچون چگونگی گفت و گوهای امام با علمای درباری، شکاکان در شایستگی حضرت در علم و فضل، مواجهه امام با گروه هایی مانند معتزله، واقفه، غلات و حتی شیعیانی که دچار تردید در امامت ایشان شدند، مطرح نشده اند.

سلیمانی، منتظرالقائم و پیرمردیان (۱۴۰۰) در مقاله تبیین تاریخی مؤلفه های همگرایی از منظر امام جواد (علیه السلام)، روش های امام برای نیل به همگرایی اسلامی را تبیین می کنند

و نتیجه می‌گیرند که آموزه‌های آن حضرت در قالب مؤلفه‌های تصحیح باورهای کلامی توأم با احترام، نداشتن تنش در مناسبات سیاسی، حُسن خُلق، تمسک به قرآن و سنت و برائت از افراط‌گرایی اسلامی می‌توان تبیین کرد.

عقیلی، طباطبایی و حجازپور خلج (۱۳۹۵) در مقاله بررسی نقش صحابه ایرانی امام جواد (علیه السلام) در گسترش تاریخ‌نگاری اسلامی در دوران عباسی، به بخشی از فعالیت‌های فرهنگی امام در حوزه تاریخ‌نگاری پرداخته است.

سامانی (۱۳۹۵) در مقاله مناسبات امام جواد (علیه السلام) با شیعیان ساکن منطقه جبال ایران، ضمن اشاره به شرایط اجتماعی عصر امام جواد (علیه السلام)، با استناد به انواع گزارش‌های تاریخی، شیوه‌های تعامل امام جواد (علیه السلام) با شیعیان ساکن در قم، همدان، ری، قزوین، آوه، کاشان، اصفهان و دینور را، که در قالب تماس‌ها، مکاتبات، روابط مالی و تعیین وکیل بروز یافته، مورد بررسی قرار داده است.

## ۲. نگاه به دوران زندگانی امام جواد (علیه السلام)

امام محمدبن علی (جواد) در سال ۱۹۵ هجری تولد یافت. مادر وی سبیکه نوبیه از خانواده ام‌المومنین ماریه قبطیه بود (کلینی، ج ۱: ۴۹۲). القاب وی تقی، جواد، قانع، زکی، منتجب و مرتضی و کنیه‌اش اباجعفر ثانی است (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵ ق، ج ۴: ۳۷۹). ایشان از سال ۲۰۳ ق تا ۲۲۰ ق عهده‌دار امامت الهی شیعیان بود. در این مدت دو خلیفه عباسی مأمون و معتصم بر مسند خلافت قرار داشتند آن حضرت، اولین امامی بود که در سن کودکی به امر خداوند به امامت منصوب شد؛ ولی با وجود کمی سن در دانش‌های مختلف، قرآن و سنت همانندی نداشت همچنین در رعایت تقوا، انجام عبادات و فضایل اخلاقی ممتاز بود.

هنگام حضور پدر بزرگوارشان امام رضا (علیه السلام) در ایران به سال ۲۰۲ ق از مدینه به خراسان و از راه طبرس به بیهق و روستای ششتمد و از آنجا به زیارت پدر رفت (بیهقی، ۱۳۶۱:

۴۶). بنا بر گفته اباصلت، وی در هنگام شهادت پدر بر بالین او حضور داشت (ابن بابویه، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۲۷۲).

## ۱-۲. اوضاع فرهنگی سرزمین‌های اسلامی معاصر با امامت حضرت جواد (علیه السلام) در اوایل قرن سوم هجری

تبیین شرایط فرهنگی اوایل قرن سوم و یا در نگاه کلی تر قرون نخستین هجری نیازمند مقدمه‌ای مختصر است. ذکر این نکته لازم است که شاخصه اصلی جامعه عربستان در دوران بعثت رسول گرامی اسلام تسلط جاهلیت بر جامعه اعراب بود؛ البته در این مجال مختصر امکان بررسی تفصیلی جاهلیت نیست؛ اما خلاصه اینکه وجه غالب و مورد نظر جاهلیت<sup>۲</sup> در شبه جزیره که در متون تاریخی نیز به این واژه پرداخته شده است، به گفته احمد امین، جهل در برابر علم نیست بلکه به معنای سفاهت، خشم، تکبر و افتخارات بی جاست (امین، ۱۹۶۹: ۶۰). همچنین واژه فوق به معنای حماقت، حقارت، سفاهت، خشم و تسلیم‌ناپذیری در برابر اسلام و احکام آن تفسیر شده است (علی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۴۰).

لذا بخش مهمی از فعالیت‌های پیامبر ﷺ متمرکز بر گذردادن جامعه جاهلی به جامعه مطلوب و ایده‌آل اسلامی و ایجاد نظام امامت شد. طرد تعصبات قومی و نژادی، مبارزه با نظام اشرافی و ریش سفید سالاری و طرح افکار و ایده‌های الهی مبتنی بر عقلانیت به منظور ایجاد تحولات بنیادین در فکر و اندیشه مردم، سرلوحه تلاش‌های این فرستاده الهی قرار گرفت. ایجاد و جایگزینی فرهنگ جدید اسلامی به جای فرهنگ عرب جاهلی با مشکلات زیادی روبه‌رو بود، با وجود این به لحاظ کمال دین و فرهنگ نویی که به جامعه انسانی عرضه کرد، این دین توانست در طول زمان به نیازهای جوامع بشری پاسخ دهد و منبعی جامع برای احتیاجات مادی و معنوی آنان باشد.

رحلت پیامبر اسلام و شکل‌گیری جریان سقیفه بنی ساعده که با اقدام انصار و ازبیم جانشینی مهاجران انجام شد (طبری، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۴۵۵)؛ بازگشتی به جاهلیت پیش از

اسلام در ظاهری جدید و ایجاد مانعی مستحکم در استمرار فرهنگ سازی اسلامی بود. خلیفه اول در اولین سخنرانی خود پس از بیعت با اقشاری از مردم خطاب به آنان گفت: "من بر شما امارت پیدا کردم ولی از شما بهتر نیستم" (ابن‌هشام، ۱۳۷۵ ق، ج ۲: ۶۶۱). در سقیفه، حق علی (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) با احیای ارزش‌های جاهلی و رقابت‌های دیرینه قومی به یغما رفت؛ البته تعدادی از بزرگان صحابه خارج از تعصب‌های قبیله‌ای تلاش کردند تا موقعیت اهل بیت (علیهم السلام) را تثبیت کنند؛ اما با مخالفت جدی و سرکوب‌خشن ذی‌نفعان در سقیفه و اشراف قریش مواجه شدند (ابن‌بکر، ۱۹۷۲ م: ۵۸۱-۵۸۳). این روند پس از دستیابی بنی‌امیه به خلافت سرعت بیشتری یافت<sup>۳</sup>، فرهنگ و ارزش‌های اسلامی پایمال شد، به شیوه حکومت‌های سلطنتی و اشرافی قصر بنا شد و حکومت موروثی گردید.

در واقع پس از رحلت پیامبر ﷺ در برابر امواج پر قدرت جاهلیت تنها منبع حافظ فرهنگ اصیل اسلامی خاندان امامت و ولایت بودند که هر یک در زمان خویش با وجود مشکلات و ناملایمات بسیار نهایت تلاش خود را در راستای احیای فرهنگ نبوی و مبارزه با جاهلیت صرف کردند.

### ۳. وضعیت فرهنگی مسلمانان در دوران امام جواد (علیه السلام)

#### ۳-۱. وضعیت فرهنگی جریان‌های شیعی

بررسی وضعیت شیعیان در عصر امام جواد (علیه السلام) گویای این واقعیت است که انبوهی از مشکلات اطراف ایشان را احاطه کرده بود. از یک طرف شیعیان مورد تبعیض گسترده قرار داشتند؛ اصطلاح تبعیض، به نحوه برخورد نامطلوب فرد یا گروه‌های مسلط با دسته‌های معینی از اشخاص در جهات و زمینه‌های تحکم‌آمیز دلالت می‌کند (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۲۱۲). امام علی (علیه السلام) که ادامه‌دهنده راستین رسالت پیامبر اکرم ﷺ بود، در راستای رعایت حقوق مردم در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر، با تاکید ویژه،

می‌فرماید: "قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت و لطف کن و همچون حیوان درنده-ای نسبت به آنان مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری؛ زیرا آن‌ها دو گروه بیش نیستند، یا برادران دینی تو هستند و یا انسان‌هایی همچون تو" (نهج البلاغه، ۱۳۸۸: ۲۹۱).

پس از خلافت عدالت محور امام علی (علیه السلام) خلفای اموی و عباسی نسبت به مخالفان خود به‌ویژه شیعیان با خشونت و بی‌رحمی رفتار کردند؛ با وجود این رویکرد پرهیز از عملیات نظامی آشکار و اولویت پرورش نیروهای کارآمد فکری و فرهنگی توسط امامان و اکثریت پیروانشان پس از نهضت امام حسین (علیه السلام) در دوران امویان و دوران عباسیان ادامه یافت. در راهبردی متفاوت تعدادی از علویان در همین ایام ترجیح دادند که به فعالیت‌های نظامی بپردازند. خلفای عباسی با خشونت کامل با این گروه برخورد کردند؛ آن‌ها حتی نسبت به ائمه (علیهم السلام) و پیروانشان که تقیه کرده و در عملیات نظامی شرکت نداشتند نیز با بی‌رحمی رفتار کردند؛ در نتیجه این اعمال خشونت، فرزندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) باز هم گرفتار مراقبت شدید، زندان، شکنجه و شهادت شدند (شاهرخی، ۱۳۹۹: ۶۷).

امام جواد (علیه السلام) در حالی با این چالش‌های درونی شیعیان مواجه بود که در همان حال به سبب قلت سنش با تردیدها و دودلی بسیاری از شیعیان مواجه شد و نه تنها با حمایت همه جانبه و قاطع روبه‌رو نشد، بلکه در آن عرصه نیز از همان ابتدا با اعتراض و تشکیک مواجه گردید. بررسی این موضوع گویای وضعیتی حاد و تا حدودی ابهام‌آمیز در میان شیعیان در آستانه آغاز امامت ایشان است.

علاوه بر وضعیت ابهام‌آلود در میان شیعیان امامی و علویان سایر جریان‌های منسوب به شیعه از قبیل زیدیه، اسماعیلیه، غلات، واقفیه و غیره نیز به شدت فعال بودند و بخش مهمی از فعالیتشان در تضاد با مسیر امام بود<sup>۴</sup>. پیدایش این جریان‌ها به علل مختلفی شکل گرفتند اما نسبت به مخالفان غیرشیعی، گرفتاری‌های دشوارتری را برای ائمه (علیهم السلام) پدید آوردند و در ایجاد شبهه و تفرقه و تضعیف جایگاه مکتب اهل بیت بسیار تاثیر داشتند. این جریان‌ها موجب شدند تا امام جواد (علیه السلام) در حالی که به شدت از جانب

دستگاه خلافت عباسی نیز تحت فشار و محدودیت قرار داشت، هم‌زمان در چندین جبهه فرهنگی فعالیت کند.

پژوهش در این بحث می‌تواند حاوی یافته‌های ارزشمندی برای تمامی مسلمانان باشد؛ زیرا تأمل در صلابت، دقت و درایت این فرزند (نوه) رسول خدا ﷺ در برابر هر مانع به وجود آمده، فرصتی ارزشمند برای کسب معرفت و آگاهی است.

### ۲-۳. وضعیت فرهنگی جریان‌های اهل سنت

امام جواد (علیه السلام) برای تحقق برنامه‌های خود علاوه بر حاکمیت بی‌رحم و ستمکار عباسی، گروه‌های متعدد و پراکنده شیعه با علما و گروه‌های فکری و فقهی متنوع اهل سنت که گاه نفوذ گسترده آنان بر وضعیت شیعیان نیز تأثیر داشت مواجه شد. در زمان امام، مکتب اعتزال رواج و رونق زیادی گرفته بود و حکومت وقت از طرفداران آن بسیار حمایت می‌کرد. آنان دستورات و مطالب دینی را به عقل خویش عرضه می‌کردند هر چه را که مورد تایید عقلشان بود می‌پذیرفتند و بقیه را انکار می‌کردند. در مورد امام جواد (علیه السلام)، از آنجا که رسیدن به مقام امامت در سنین خردسالی با معیارهای ظاهری عقل آنان سازگار نبود، با طرح پرسش‌های مشکل و پیچیده تلاش می‌کردند تا از این طریق ایشان را در عرصه علمی و فکری از جامعه اسلامی منزوی کنند.

جریان‌های مهم اهل سنت در این زمان در حوزه فقه شامل جریان‌های شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی بودند؛ در کاربردهای تاریخی، اینان با اسامی خاصی نظیر «اهل حدیث»، «جماعت»، «عامه» و با گذشت زمان همگی آنان با عنوان «اهل سنت» شناخته شده‌اند (پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۴۷۴-۴۷۵ ذیل مدخل اهل سنت). این گروه به مکتب اهل بیت بی‌اعتنا بودند؛ زیرا از نظر آنان سیره صحابه به‌ویژه شیخین دارای حجیت بود؛ بازخورد این نوع نگرش در حوزه سیاسی، حمایت و حتی تقویت اقتدار نظام حاکم بود. بسیاری از فقیهان اهل سنت و پیروان آنان در عین حال که با امام جواد همراه نداشتند؛ اما عناد و دشمنی نیز با ایشان نورزیدند؛ به‌ویژه که گاه شاهد گستره عظیم دانش امام و تسلط

(سید علاءالدین شاهرخی، بهزاد پاکدل، غلامرضا رحیمیان)

ایشان در مناظره‌ها بودند؛ حتی ابن حجر هیثمی می‌نویسد: "مأمون او را به دامادی انتخاب کرد؛ زیرا با وجود سن کم از نظر علم و آگاهی و حلم بر همه دانشمندان برتری داشت" (ابن حجر هیثمی، ۱۳۸۵ ق: ۲۰۵). با وجود این امام برای هدایت این گروه نیز دارای دغدغه بود و از فرصت‌های محدودی که در مباحثات و مناظره‌ها به دست آورد سعی کرد آنان را نسبت به معارف الهی آگاه نماید و انحرافات به وجود آمده را بر ملا کند.

بخش دیگری از جریان‌های اهل سنت در زمان امام جواد (علیه السلام) را باید در حوزه تفکرات کلامی مورد بررسی قرار داد؛ مشهورترین جریان‌های فعال آنان در این دوران شامل جریان‌هایی مانند خوارج، جبریه، قدریه، معتزله و ظاهریه بودند. اینان در میان مسلمانان اهل سنت به‌ویژه میان عامه مردم از نفوذ چندانی برخوردار نبودند؛ بدیه بود که پذیرش عمومی فقها و محدثان اهل سنت بیشتر بوده و معمولاً بین این دو رقابت وجود داشته است. در موارد خاصی برخی از اندیشه‌های گروه‌های مذکور مانند معتزله مورد سوء استفاده حاکمان وقت قرار گرفت؛ اما در مجموع حمایت سیاسی قابل توجه از آنان به عنوان یک گروه کلامی انجام نشد. ائمه (علیهم السلام) نیز در مواجهه با ایشان به تبیین موضوعات کلامی، نظیر جبر و اختیار، مسئله خلق قرآن، حقانیت و عدم تحریف قرآن اهتمام داشتند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۵: ۸۳۱).

#### ۴. شیوه‌های ارشاد و هدایت‌گری امام جواد (علیه السلام) در برابر معضلات فرهنگی عصر خود

خداوند متعال در هر عصری برای هدایت مردم انسان کاملی را تعیین فرموده است، منظور از انسان کامل، فردی است که بر اساس شایستگی، تقوا و البته تفضل خاص خداوند، مظهر تام اسمای حسنای الهی باشد و وظیفه مهم و دشوار هدایت مردم را عهده‌دار شود. این هدایت بر محور منافع شخصی یا قومی نیست؛ بلکه هدایت او نسبت به دیگران بر مدار اراده و امر خداوند است، به گونه‌ای که فاعل حقیقی خداست و انسان کامل مظهر و مجرای فیض الهی است که همان هدایت است (جوادی آملی، ۱۳۸۵:

۳۰۰). این هدایت در اصل همان شأن هدایت به امر امام است که در آیات قرآن به آن اشاره شده است: "... و اسحاق، و علاوه بر او، یعقوب را به وی بخشیدیم، و همه آنان را مردانی صالح قرار دادیم و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آن ها وحی کردیم، و تنها ما را عبادت می کردند" (الأنبياء، ۷۲ و ۷۳)؛ همچنین در تکمیل جایگاه این رهبران برگزیده می فرماید: "و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند، چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند (السجده، ۲۴).

امام جواد (علیه السلام) نیز به عنوان هدایت گر عصر خود با درک کامل از وضعیت فرهنگی موجود، راهبردهای اثرگذاری را در پیش گرفت که هر کدام در راستای رفع معضلات مذکور و گاه آینده نگری برای جلوگیری از شکل گیری معضلات دیگر بود. در ادامه این راهبردها مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرند.

#### ۴-۱. آگاهی بخشی در مورد امامت خود

فضای تردید و شبهه میان برخی شیعیان در مورد جانشین هر امام از مدت ها قبل آغاز شده بود؛ اما آنچه موجب شد تا این موضوع در مورد امام محمد تقی (علیه السلام) بیشتر نمایان شود سن کم ایشان بود. امام محمد تقی (علیه السلام) در سن ۷ سالگی و پس از شهادت پدرشان امام رضا (علیه السلام) عهده دار مقام امامت شد؛ ابهام و تردید چنان در میان شیعیان امامی حاکم بود که برخی از شیعیان به امام پیشین یعنی امام کاظم (علیه السلام) بازگشتند و در حقیقت در امامت امام کاظم (علیه السلام) توقف کردند و از همین رو آن ها را واقفیه گفته اند (نوبختی، ۱۴۰۴ ق: ۸۸). گروه دیگر به برادر امام رضا (علیه السلام)، عبدالله بن موسی مراجعه کردند و چون او را در پاسخ به پرسش های خود ناتوان دیدند، رهایش کردند و گروه دیگر به امامت برادر دیگر امام رضا (علیه السلام)، احمد بن موسی معتقد شدند (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵ ق، ج ۲: ۴۲۹).

این ابهام و سردرگمی ناخوشایند در میان بسیاری از شیعیان امامیه که به علت استبداد بنی عباس و سخت گیری و ستم آنان بر امامان و لزوم پنهان کاری شدت یافته بود، مانع

بسیار بزرگی در برابر امام جواد (علیه السلام) قرار داد. بالطبع هرگونه فعالیت امام در میان پیروان اهل بیت (علیهم السلام) منوط به رفع این تردید و معرفی خود به آنان بود. لذا در خلال تعقیب این موضوع در منابع، ضرورت دارد در مطالعات مربوط به راهبردهای فرهنگی امام جواد (علیه السلام) این موضوع نیز یکی از محورهای اساسی قرار گیرد.

#### ۴-۲. محوریت استنادات قرآنی امام در گفتمان ارشادی با شیعیان

امام با درک این حقیقت که مهم‌ترین مسئله بزرگان شیعه در مورد جایگاه امامت ایشان قلت سَنَشان است، در برخوردها و تماس‌های خود با آنان با استناد به قرآن کریم شواهدی متقن از پیامبران الهی را ارائه کرد که خداوند متعال آنان را در سنین کودکی مورد لطف خود قرار داده و بار مسئولیت الهی را بر دوش آن‌ها گذاشته بود؛ بدون شک هیچ منبعی نمی‌توانست همچون قرآن این تردیدها را بزدايد و اعتماد را جایگزین تردید و ابهام کند.

امام بارها در جلسات مشترک با عالمان و بزرگان شیعه حضور یافت؛ در این مجالس ایشان با وجود سن اندکش با سعه صدر و متانتی اثرگذار به سخنان اشخاص مردد پاسخ گفتند و از جمله قرآن را در گفته‌های خود منبع قرار دادند. آنجا که در مورد حضرت مسیح (علیه السلام) می‌فرماید: "ای یحیی کتاب [خدا] را به جد و جهد بگیر و از کودکی به او نبوت دادیم" (مریم، ۱۲)؛ در این آیه قرآن به صراحت بیان می‌کند که حضرت عیسی (علیه السلام) در خردسالی به نبوت رسید: "پس مریم به سوی او (عیسی) اشاره کرد. گفتند: چگونه با کسی که در گهواره (و) کودک است سخن بگوییم؟ (عیسی به سخن آمد و) گفت: منم بنده خدا، او به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر قرار داده است (مریم، ۲۹ و ۳۰).

با توجه به اینکه علم خداوند به عنوان موهبتی برای هدایت جامعه بشری ممکن است بدون آموزش و یادگیری به گونه‌ای لدنی در افراد وجود داشته باشد (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲: ۹۰). آن حضرت با استناد به قرآن بر محوریت اراده خداوند تأکید کرد؛ البته اکثریت نخبگان شیعه نیز امامت را از منظر منصب الهی می‌نگریستند و از این رو زمینه درک این موضوع برایشان فراهم بود.

### ۴-۳. پاسخ‌گویی به پرسش‌های علمی، کلامی و فقه

گسترش سؤالات و ابهامات در جامعه اسلامی دوران امام جواد (علیه السلام) و ارائه برخی پاسخ‌ها از جانب علما و فقها نتوانسته بود اطمینان و اعتماد جامعه را جلب کند و این موضوع نیاز به منبع اطمینان بخش امامت و هدایت الهی را بر همگان ضروری می‌کرد؛ در این راستا فعالیت بزرگان و عالمان شیعه پس از شهادت امام رضا (علیه السلام) برای اطمینان یافتن از جانشین آن امام تا حدودی متمرکز شده بود؛ لذا هشتاد تن از آنان از بغداد و دیگر شهرها گردهم آمده، به مدینه رفتند. برای این منظور آن‌ها به نزد افرادی رفتند که به تصورشان ممکن بود این منصب را عهده‌دار شده باشند. آنان ابتدا نزد عبدا... بن موسی عمومی امام جواد (علیه السلام) رفتند و با او به بحث و مناظره نشستند نتیجه این جلسه اطمینان اینان از نداشتن مقام امامت توسط این فرد بود.

فرد دیگری که به طور قطع باید مورد بررسی قرار می‌گرفت، امام جواد (علیه السلام) بود. آنان به حضور این امام خردسال رسیدند و با صحنه‌ای متفاوت مواجه شدند؛ ایشان با متانت و آرامش به تمام پرسش‌های علمی، فقه و کلامی این عالمان پاسخ اطمینان بخش و قابل قبول دادند به گونه‌ای که در همان جلسه هرگونه تردیدی در مورد شخص امام از میان آن جمع رخت بریست و همگان در آن نشست امامت وی را تصدیق و او را در مقام امام به جامعه شیعیان معرفی کردند (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۵۰: ۹۹-۱۰۰). این جلسه تنها فرصت رودررو برای برطرف کردن تردیدها توسط امام نبود؛ هم‌چنین در سال ۲۰۵ق باز هم با حضور برخی از عالمان شهرهای مختلف چنین مجلسی برگزار شد (کلینی، بی‌تا، ج ۱: ۳۱۴).

حضور یافتن امام جواد (علیه السلام) در این گونه مجالس علمی و ارائه پاسخ‌هایی کامل و جامع تنها موجب رفع ابهام از جامعه شیعه نسبت به امام واقعی خود نشد؛ بلکه فرصتی فراهم کرد تا ایشان هم‌چون اجداد هدایتگر خود گام‌هایی دیگر در ایجاد آگاهی فکری و نظری و بالا بردن شناخت مردم نسبت به ابعاد مختلف هستی و خالق متعال بردارند. برآیند این گونه آگاهی بخشی امام، افزایش شناخت مردم، تفکیک افکار اصیل اسلامی از انحرافات و گام‌هایی جهت شناسایی عالمان و فقهای باتقوا از عالمان درباری بود.

#### ۴-۴. تقویت و استمرار شبکه ارتباطی وکالت

شبکه ارتباطی وکالت از مدت‌ها قبل از جانب امام صادق (علیه السلام) به منظور حفظ ارتباط، آگاهی بخشی به شیعیان و رهایی از محدودیت‌ها و تنگناهایی بود که خلفای ستمگر بر امامان تحمیل کرده بودند؛ امام جواد (علیه السلام) نیز با استفاده از این شبکه فعالیت‌های هدایتگری خود را در جامعه اسلامی تداوم داد.

آنچه موجب شد تا امام همچون پدران‌ش به مقوله وکالت توجه خاصی مبذول کند علاوه بر سخت‌گیری‌های دستگاه خلافت، پراکندگی شیعیان در نقاط مختلف سرزمین پهناور جهان اسلام بود. طبیعی است که بسیاری از شیعیان توانایی مسافرت به مدینه و سایر مراکز سکونت امامان را نداشتند؛ پس لازم بود کسانی به عنوان وکیل امام به مناطق دور اعزام و رابط بین رهبر و پیروانشان باشند (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۶۶)؛ بعلاوه نیاز به پاسخگویی امام به سؤالات و مشکلات فقهی و عقیدتی شیعیان و توجیه سیاسی آنان توسط وکیل امام بود (پیشوایی، ۱۳۸۷: ۵۷۳). البته به علت بدبینی و مخالفت خلفا، گاه وکلا شناسایی و به شدت تنبیه می‌شدند از جمله در سال ۱۷۹ق بسیاری از وکلا تحت شکنجه قرار گرفتند؛ اما نهاد وکالت باز هم به فعالیت خود ادامه داد (صفا، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

امام جواد (علیه السلام) پس از تثبیت مقام امامت خود در میان شیعیان، وکلای زمان پدرش را ابقا، و شروع به گسترش فعالیت‌های سازمان وکالت در نواحی مختلف کرد (جباری، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۹۰)؛ بررسی اقدامات برخی وکلای امام در مناطق فعالیتشان گویای گستردگی حوزه فعالیت آنان در مناطق مختلف جهان اسلام است.

#### ۴-۵. ابعاد فعالیت‌های فرهنگی وکلای امام در برخی از شهرها

امام محمد تقی (علیه السلام) همان گونه که با هدایت و روشننگری ضمن گفت‌وگو و تماس با برخی شیعیان، آنان را از خطر انحراف و گمراهی نجات داد در سطح گسترده پهناور جهان اسلام همین رویکرد را توسعه داد؛ با توجه به این که امام کاملاً تحت مراقبت خلافت

عباسی قرار داشت این رسالت مهم را توسط وکلای خود به انجام رساند. بررسی چگونگی فعالیت‌های برخی از این وکلای می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را در این راستا ارائه کند. ابراهیم بن محمد همدانی از جمله افرادی است که مورد احترام امام بوده و حتی ایشان از دیگر وکلای خود در غرب ایران و همدان درخواست کرد با او مخالفتی نداشته باشند و از او اطاعت کنند (مامقانی، بی تا، ج ۱: ۳۲).

از دیگر وکلای امام، عبدالعظیم حسنی از نوادگان امام حسن (علیه السلام) بود که احادیث بسیاری از آن حضرت نقل کرده است. وی در ری اقامت گزید و به ترویج و اشاعه احادیث اهل بیت (علیهم السلام) همت گماشت؛ در واقع عبدالعظیم حسنی در گسترش تشیع در ری و انتقال فرهنگ و اندیشه شیعی به نواحی مرکزی ایران نقش بسزایی داشت (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۳۰). علی بن مهزیار شخصیت مشهور شیعی در خوزستان از دیگر وکلای مورد اطمینان امام محسوب می‌شد؛ وی در اصل نصرانی بود و پس از پذیرش اسلام از خواص اصحاب امام رضا (علیه السلام) و سپس امام جواد (علیه السلام) شد. علی بن مهزیار فعالیت‌های گسترده‌ای در ترویج شیعه کرد؛ حر بن عثمان همدانی راوی دیگری است که گزارش دیدار شیعیان ری با امام را نقل کرده است (ابن حمزه، ۱۴۱۲ ق: ۲۰۸). خلاصه این که وکلای امام در بسیاری از مناطق و شهرهای اسلامی از قبیل اهواز، همدان، سیستان، ری، بصره، واسط، بغداد و مراکز سنتی شیعه یعنی کوفه و قم حضور فعال داشته‌اند.

#### ۴-۶. اهمیت دادن به جلسات علمی و تربیت شاگردان توانمند و اندیشمند

تشکیل جلسات علمی و کلاس‌های آموزشی توسط هر امام از جمله امام جواد (علیه السلام) منوط به شرایط سیاسی جامعه و داشتن حداقل‌های آزادی عمل برای تحقق این منظور بود؛ اما به جز در دوران کوتاه مدتی در زمان امام محمد باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) دیگر شرایط حتی حداقلی هم برای فعالیت‌های آزادانه علمی برای امامان معصوم حاصل نشد. امام جواد (علیه السلام) با دو خلیفه عباسی مأمون و معتصم معاصر بود که به ظاهر در دوران مأمون مورد توجه و لطف خلیفه و پس از آن مورد غضب قرار داشت. مأمون حتی دخترش ام‌الفضل

را به ازدواج امام درآورد؛ برخی نامزدی این دورا هنگام ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام) می دانند (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۴۴۱) و عده ای آن را پس از شهادت امام دانسته اند (امین، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۳). نقل شده که مأمون می گفت: "دوست دارم در نتیجه این ازدواج جدّ کودکی از نسل رسول خدا ﷺ و علی بن ابیطالب باشم" (یعقوبی، ج ۲: ۴۵۴).

بررسی زندگانی امام جواد (علیه السلام) در دوران خلافت مأمون گویای این واقعیت است که امام جواد (علیه السلام) مانند پدرش از هیچ گونه آزادی عملی برخوردار نبوده و تحت مراقبت کامل دستگاه خلافت قرار داشت. از این رو هرگونه فعالیت ایشان در دوران امامتش عملاً تحت نظر قرار داشت؛ نتیجه این نظارت شدید، محرومیت جامعه اسلامی و به ویژه مشتاقان علوم ناب اسلامی از بهره گیری آزادانه از امام و کار دشوار آن حضرت در انتقال دانش به عموم مردم و ایشان در حوزه شاگردپروری گردید. با وجود این تعداد شاگردان و اصحاب آن حضرت قریب صد و ده نفر ذکر شده اند (طوسی، ۱۳۸۱ق: ۳۹۷-۴۰۹) البته ارقام بیشتری هم ذکر شده است از جمله دویست و پنجاه و هفت نفر (قزوینی، ۱۴۰۸ق: ۶۸).

بخشی دیگر از فعالیت های علمی امام جواد (علیه السلام) مربوط به احادیثی است که در زمینه های مختلف فقهی، اعتقادی، اخلاقی و غیره از ایشان باقی مانده است؛ برخی تعداد این احادیث را در حدود دویست و پنجاه مورد می دانند که از طریق صد و بیست راوی نقل شده و به ما رسیده است (خضری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۸۵). جالب اینکه راویان احادیث امام جواد (علیه السلام) تنها به محدثان شیعه خلاصه نمی شوند، بلکه محدثان و دانشمندان اهل سنت نیز به نقل علوم و دانش های اسلامی از آن حضرت پرداخته اند همچون خطیب بغدادی که احادیثی با سند خود از آن حضرت نقل کرده است (خطیب بغدادی، ج ۳: ۵۴-۵۵). همچنین بخش دیگری از فعالیت های علمی امام مکتوب به ویژه نامه ها و پاسخ های ایشان به سؤالات مسلمانان بود.

#### ۴-۷. ارشاد نخبگان علمی جامعه و عامه مردم در مناظره های امام با مخالفان

گرچه بیشتر مناظره های امام به تعداد اندک و در فضای محدودی با حضور جمعیت

کمی برگزار شد؛ ولی به علت شرکت نخبگان فکری و گاه سیاسی جامعه در این جلسات و انعکاس محتواهای بحث‌ها در ابتدا توسط اشخاص و سپس به وسیله کتاب‌ها نتایج و اثرات قابل توجهی از این مطالب به دست آمد. نکته جالب در خصوص مناظره‌های امام جواد (علیه السلام) همچون بسیاری از مناظره‌های سایر امامان، تشکیل این جلسات به منظور ضربه زدن به آن‌ها و به خصوص استفاده از علما و دانشمندان آن زمان برای غلبه کردن بر آن‌ها در مقابل دیدگان بزرگان و نخبگان جامعه بود.

بدیهی است در مورد امام جواد (علیه السلام) به علت قلت سن ایشان، این موضوع با اشتیاق و جدیت بیشتری توسط هیئت حاکمه تعقیب و به اجرا درآمد؛ با وجود گذشت قرن‌ها از این گفت‌وگوها، بررسی محتوای این بحث‌ها به ویژه پاسخ‌هایی که امام در برابر پرسش‌های جمع عالمان وابسته به حاکمیت داده است هنوز تعجب هر محقق و پژوهشگری را به دنبال دارد. خوشبختانه متن کامل این مناظره‌ها توسط برخی منابع نقل شده است که ضرورت دارد آن‌ها برخی توضیحات بیان گردد.

ظاهراً نخستین مناظره با ایشان توسط یحیی بن اکثم قاضی القضاة مأمون انجام پذیرفت؛ انگیزه تشکیل آن نیز مخالفت عباسیان با ازدواج دختر مأمون (ام‌الفضل) با امام بود. تصور عباسیان و عالمان درباریشان این بود که به این علت که آن حضرت هنوز نوجوان است از دانش و فقه بهره‌ای ندارد؛ به همین خاطر بزرگان خاندان عباسی به پیشنهاد مأمون در جلسه‌ای عملاً این موضوع را مورد بررسی قرار دادند. سؤال یحیی بن اکثم از امام در این مجلس این بود که حکم کسی که در حال احرام صیدی را بکشد، چیست؟ امام در پاسخ فرمود: "آیا صید را در حرم کشته یا بیرون حرم؟ به عمد کشته یا به سهو؟ اگر از روی سهو بوده به مسئله آگاهی داشته است یا نه؟ آزاد بوده یا بنده؟ صغیر بوده یا کبیر؟ آن صید پرنده بوده یا غیر آن؟ آیا قتل در شب بوده یا در روز و قائل احرام عمره داشته یا حج تمتع؟ آن حضرت سپس پاسخ همه این موارد را داد و موجب شگفتی همگان و درماندگی قاضی القضاة شد (طبرسی، ۱۳۹۰: ق: ۳۵۲).

مناظره دیگری میان امام جواد (علیه السلام) و یحیی بن اکثم انجام شد که البته برخی محققان

آن را ادامه مناظره نخست دانسته‌اند. امام جواد (علیه السلام) در این جلسه پرسش در مورد حلال و حرام شدن یک زن بر یک مرد در چند نوبت در طول یک شبانه‌روز مطرح کرد. این پرسش نیز فرعیات مختلفی دارد؛ یحیی از پاسخ‌گویی عاجز ماند و امام خود به این پرسش نیز پاسخ داد و موجب تعجب حاضران گردید (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۸۶-۲۸۷).

البته رویکرد همه مجالس مناظره‌های امام فقهی نبوده است چنانکه در مجلسی که جمعیت زیادی در آن حضور داشتند و در آن عالمان اهل سنت هم بودند این بار یحیی بن اکثم در خصوص باورهای شیعه و به‌طور خاص جایگاه خلفای نخستین طرح بحث کرد. این مناظره با وجود جمعیت حاضر و جو سنگین حاکم بر آن از جانب آن حضرت به فرصتی مناسب برای بیان حقایق مربوط به اسلام و جعلی بودن برخی روایات تبدیل شد؛ پاسخ‌های کامل و منطقی امام که به تفصیل ذکر شده است (طبرسی، ۱۳۸۴ق، ج ۲: ۴۷۷-۴۸۰) برای تمامی کسانی که به دنبال آگاهی از موضوع جانشینی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و طرح برخی فضیلت‌ها در مورد تعدادی از اصحاب آن حضرت هستند مرجعی بسیار ارزشمند و قابل استناد است.

امام همچنین در برخی مناظرات با علمای شیعه که در مورد امام عصر خود تردید داشته و به دنبال تشخیص امام برحق بودند نیز حضور یافت. در یک جمع‌بندی می‌توان تمامی مطالب طرح شده توسط آن حضرت در خلال این گفت‌وگوها و بحث‌ها طرح رویکردهایی ارزشمند و هدایتگر برای همه انسان‌ها و به ویژه مسلمانان در چارچوب محورهای فکری، عقیدتی، کلامی و فقهی ارزیابی کرد.

##### ۵. تاثیر گذاری عمیق و ماندگار جاذبه علمی امام در گسترش آگاهی عمومی

امام جواد (علیه السلام) همچون سایر امامان معصوم دارای مجموعه‌ای از صفات عالی بود که موجب شد تا در شخصیت، رفتار و منش ایشان تجلی یابد؛ در نتیجه افراد بسیاری پس از تماس و یا ارتباط نزدیک با ایشان مجذوبش می‌شدند و گاه از این طریق در مسیر هدایت قرار

می‌گرفتند. بررسی ابعاد مختلف شخصیت و صفات آن حضرت، گویای جاذبه‌اثرگذار آن هم در طیف گسترده و وسیعی در بعد علمی ایشان است. همان‌گونه که برخی نویسندگان اشاره کرده‌اند علاوه بر طرفداران و مریدانش دیگران نیز به این موضوع اعتراف کرده‌اند.

از جمله در مورد حضرت جواد (علیه السلام) گفته شده که او در علم و تقوا و زهد و بخشش بر روش پدرش بود (ابن الجوزی، ۱۳۸۳ق: ۳۵۹)؛ مأمون او را به دامادی انتخاب کرد؛ زیرا با وجود کمی سن، از نظر علم و آگاهی و حلم بر همه دانشمندان برتری داشت (ابن حجر هتمی، ۱۳۸۵ق: ۲۰۵). به این موضوع در برخی منابع شیعی نیز اشاره شده است از جمله چنین آمده است: "مأمون شیفته او شد؛ زیرا می‌دید که او با وجود کمی سن از نظر علم و حکمت و ادب و کمال عقلی به چنان رتبه‌الایلی رسیده که هیچ یک از بزرگان علمی آن روزگار بدان پایه نرسیده‌اند" (نیشابوری، ۱۴۰۶ق: ۲۶۱).

## ۶. هدایت هدفمند جامعه اسلامی جهت آمادگی عصر غیبت

موضوع منجی عالم بشریت و مرحله غیبت او در دین اسلام از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و سایر معصومین (علیهم السلام) همواره تأکید خاصی بر فرهنگ سازی و ارائه آگاهی به مردم در خصوص عصر غیبت داشته‌اند و احادیث بسیاری از آنان در این ارتباط نقل شده است. با این اوصاف هر چه به عصر غیبت نزدیک می‌شد، حساسیت بیشتری وجود داشته و عنایت بیشتری به آن مبذول می‌گردد. یکی از مهم‌ترین گام‌ها در این راستا تذکر قاطع به مردم در مورد راضی نشدن به حکومت ستمکاران بود؛ از امام جواد (علیه السلام) نقل شده که فرمود: "ستمگر و کسی که او را کمک کند یا به ستم او راضی باشد همه با هم شریک هستند" (دخیل، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۱۸۳).

امام به مؤمنان تأکید می‌کرد که مبارزه با طاغوتیان دشوار است؛ از این رو باید در این راه همت عالی داشته باشند؛ لذا فرمود: "ثابت قدم باش تا به هدف برسی یا به آن نزدیک شوی" (محمدی اشتهاردی، ۱۴۱۶ق: ۱۰۵). در واقع بخش مهمی از روشنگری‌ها

و هدایت‌های امام در راستای آمادگی شیعیان برای عصر غیبت و آماده‌سازی زمینه‌ها و مقدمات برای نشر آگاهی در میان نسل‌های آتی بود؛ اهتمام ویژه در ادامه این مسیر با قاطعیت و تلاش موجب شد تا در سال ۲۲۰ق در حالی که تنها ۲۵ سال از عمر آن حضرت می‌گذشت و در عنفوان جوانی قرار داشت به دستور معتصم خلیفه عباسی و توسط ام‌فضل همسرش مسموم شده، به شهادت برسد (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ۳۸۰).

## ۷. نتیجه‌گیری

امام محمد تقی (جواد الاثمه) با شهادت پدرش امام رضا (علیه السلام) و عهده‌دار شدن مقام امامت آن هم در حالی که تنها ۷ سال از عمرش گذشته بود با وضعیت و شرایط دشوار و بسیار پیچیده‌ای مواجه شد؛ بررسی شرایط بحرانی جهان اسلام در آن زمان و همچنین شیعیان که خود دچار گروه‌های مختلف و متفرق شده بودند در تحلیل دقیق‌تر ابعاد فعالیت‌های فرهنگی هدایت‌گر امام ضرورت دارد؛ البته شناخت ابعاد مختلف وجودی امام گامی در راستای پی بردن به حقایق هستی بوده و بخش مهمی از فعالیت‌های مهم در حوزه آگاهی‌بخش و هدایت مردم در مسیر صحیح قرب‌الی‌الله قرار داشت.

انجام این مأموریت دشوار و پیچیده در حالی که خلافت عباسی کوچک‌ترین فعالیت امام را تحت نظر داشت و اجازه فعالیت چندانی به امام نمی‌داد؛ همچنین شبکه گسترده‌ای از عالمان وابسته به دربار به همراه وجود فرقه‌های مختلف میان شیعیان و سرانجام سن اندک آن حضرت، موانع دشوار دیگری را برای فعالیت‌های فرهنگی آگاهی‌بخش وی ایجاد کرد. جالب اینکه امام در راهبردهای خود جهت غلبه بر هر یک از این مشکلات، آن معضل را به فرصتی برای هدایت کردن نخبگان و مردم عادی قرار داد. ایشان در مناظره‌ها و مجالس متعددی که با انگیزه‌های متفاوت و به‌خصوص برای تضعیف او، توسط عباسیان و علمای وابسته به آن‌ها از یکسو و همچنین شیعیان و بزرگان شیعه از سوی دیگر تشکیل شد در حالی که کودکی خردسال بود حضور یافت و آن تهدید را به فرصتی طلایی برای تبیین اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) و افکار راستین آنان و بطلان

افکار انحرافی و التقاطی قرار داد. امام در اقدامی هوشمندانه و بسیار سنجیده برای غلبه بر موانع و محدودیت‌ها از سازمان وکالت و عالمان با تقوای شیعه برای انتشار آگاهی در اقصی نقاط سرزمین‌های اسلامی استفاده کرد.

## ۸. پی‌نوشت‌ها

۱. روایت علی مع الحق (حق با علی است) از سوی امام علی (علیه السلام) و ۲۳ تن از صحابه نقل شده است (رضوانی، ۱۳۸۴، ج: ۱، ۵۵؛ فقیه ایمانی، ۱۳۷۷: ۴۸-۴۹).
۲. به نظر عمر فروخ، جاهلیت نامی است که قرآن کریم به عصر پیش از اسلام اطلاق کرده زیرا اعراب در آن عصر، بت می‌پرستیدند و با یکدیگر به نزاع می‌پرداختند... و چنین است که ملاحظه می‌کنیم واژه جاهلیت از جهلی گرفته شده که در برابر حلم بوده نه جهلی که متضاد علم است. (فروخ، ۱۹۶۹، ج: ۱، ۴۷).
۳. البته حتی قبل از امویان و در زمان خلیفه سوم نیز برخی رفتارهای مخالف ارزش‌های اسلامی به وقوع پیوست، چنان‌که ولید بن عقبه برادر مادری خلیفه و استاندار کوفه، شب‌ها با رقاصه‌ها و خوانندگان به عشرت و می‌گساری مشغول بود و حتی یک روز در حال مستی به مسجد آمد (مسعودی، ۱۴۰۹، ج: ۲، ۳۴۴).
۴. امام جواد (علیه السلام) با روشنگری و هدایت شیعیان افکار انحرافی و ماهیت این گروه‌های انحراف را برای شیعیان تبیین کرد؛ از جمله زیدیه و واقفیان را در ردیف نواصب قرار داد (کشی، ۱۴۰۹، ج: ۴۶۰) و در مورد این آیه قرآن: "در آن روز چهره‌هایی زبون‌اند که تلاش کرده و رنج [بیهوده] برده‌اند" (غاشیه، ۲ و ۳) فرمود که درباره آنان نازل شده است. (کشی، ۱۴۰۹، ج: ۲۲۹)؛ امام در راستای تفکیک اصحاب خود از واقفیان، از آنان خواست پشت سر واقفیان نماز نخوانند (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج: ۱، ۳۷۹).

## منابع و مأخذ

- قرآن مجید.
- نهج البلاغه. (۱۳۸۸). ترجمه حسین انصاریان. قم: آیین دانش.
- ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۳۹۰ق). *عیون اخبار الرضا*. نجف: المطبعه الحیدریه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامع مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بکار، زبیر. (۱۹۷۲م). *الاخبار الموقفیات*. تحقیق سامی مکی العانی. بغداد: مطبعه العانی.
- ابن حمزه، عمادالدین ابوجعفر محمد بن علی. (۱۴۱۲ق). *الثاقب فی المناقب*. تحقیق رضا نبیل علوان. قم: موسسه انصاریان.
- ابن الجوزی، عبدالرحمان بن علی. (۱۳۸۳ق). *تذکره الخواص*. نجف: مکتبه الحیدریه.
- ابن حجر هتمی، احمد بن محمد. (۱۳۸۵ق). *الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه*. قاهره: مکتبه القاهره.
- ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۴۰۹ق). *شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار (علیهم السلام)*. قم: جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۴۰۵ق). *مناقب آل ابی طالب*. بیروت: دارالاضواء.
- ابن عساکر، علی بن حسن. (۱۴۱۵ق). *تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الامثال*. تحقیق علی شیری. بیروت: دارالفکر.
- ابن هشام، عبدالملک. (۱۳۷۵ق). *السیره النبویه*. تحقیق مصطفی سقا و دیگران. مصر: طبقه مصطفی البابی الحلبی.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۷). *تاریخ امامان شیعه*. قم: دفتر نشر معارف.
- امین، احمد. (۱۹۶۹م). *فجر الاسلام*. بیروت: دارالکتب العربی.
- امین، سید محسن. (۱۴۰۳ق). *اعیان الشیعه*. به کوشش سید حسن امین. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید. (۱۳۶۱). *تاریخ بیهقی*. تصحیح احمد بهمنیار. تهران: کتابفروشی فروغی.
- پاکتچی، احمد. (۱۳۷۲). «اهل سنت و جماعت» در *دایره المعارف بزرگ اسلامی*. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- پیشوایی، مهدی. (۱۳۸۷). *سیره پیشوایان*. قم: موسسه امام صادق (علیه السلام).
- جباری، محمدرضا. (۱۳۸۲). *سازمان و کالت*. ج ۱. قم: موسسه امام خمینی (ره).
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). *هدایت در قرآن*. قم: مرکز نشر اسراء.
- حرانی، ابو محمد. (۱۳۸۵). *تحف العقول عن آل الرسول*. ترجمه صادق حسن زاده. قم: آل علی.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. بیروت: داراحیاء التراث.
- خزاز قمی، علی بن محمد. (۱۴۰۱ق). *کفایه الأثر فی النص علی الأئمه الاثنی عشر*. قم: انتشارات بیدار.
- خضری، سیداحمد رضا. (۱۳۸۵). *تاریخ تشیع*. ج ۱، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی. (بی تا). *تاریخ بغداد*. بیروت: دارالکتب العربی.
- دخیل، علی محمد علی. (۱۴۲۰ق). *روائع من حیاة الائمه الاثنی عشر*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). *شیعه شناسی و پاسخ به شبهات*. تهران: نشر مشعر.

(سید علاء‌الدین شاهرخی، بهزاد پاکدل، غلامرضا رحیمیان)

- سید ابن طاووس، علی‌بن موسی. (۱۴۰۰ق). الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف. قم: خبّام.
- سلیمانی، زهرا؛ منتظرالقائم، اصغر و پیرمردیان، مصطفی. (۱۴۰۰). «تبیین تاریخی مؤلفه‌های همگرایی از منظر امام جواد (علیه السلام)». پژوهش‌های تاریخی. دوره ۱۳. ش ۱. ش پیاپی ۴۹. صص: ۱-۱۸.
- شهرستانی، عبدالکریم. (بی‌تا). الملل و النحل. ج ۱. بیروت: دار المعرفه.
- شاهرخی، سید علاء‌الدین. (۱۳۹۹). «بررسی روابط برمکیان با امام کاظم (علیه السلام) و خاندانش». فرهنگ رضوی. سال هفتم. ش ۳۷. صص: ۵۹-۸۳.
- صفار، محمدبن حسن. (۱۳۸۰). بصائر الدرجات. تهران: بی‌نا.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۳۸۴ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج. نجف: مطبعه النعمان.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ق). اعلام الوری باعلام الهدی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۴۰۹ق). تاریخ الامم و الملوک. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن. (۱۳۸۱ق). رجال. نجف: منشورات المكتبه الحیدریه.
- عاملی، سید جعفر مرتضی. (۱۴۲۵ق). الحیاه السیاسیه للامام الجواد. بیروت: مرکز الاسلامی للدراسات.
- عطاردی، عزیزالله. (۱۴۱۰ق). مسند الامام الجواد ابی جعفر محمد بن علی الرضا (علیه السلام). مشهد: آستان قدس رضوی.
- عقیلی، سیداحمد؛ طباطبایی، سیدمصطفی و حجابیور خلیج، سمانه. (۱۳۹۵). «بررسی نقش صحابه ایرانی امام جواد (علیه السلام) در گسترش تاریخ‌نگاری اسلامی در دوران عباسی». مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام جواد (علیه السلام). جلد سوم. قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
- علی، جواد. (۱۳۶۷). تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام. ترجمه محمدحسین روحانی. بابل: کتابسرای باب بابل.
- فروخ، عمر. (۱۹۶۹م). تاریخ الادب العربی. بیروت: دارالعلم للملایین.
- فقیه ایمانی، مهدی. (۱۳۷۷). حق با علی است. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- قزوینی، سیدمحمدکاظم. (۱۴۰۸ق). الامام الجواد من المهد الی اللحد. بیروت: مؤسسه البلاغ.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). رجال الکشی، اختیار معرفه الرجال. تلخیص محمد بن حسن طوسی. تصحیح حسن مصطفوی. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب. (بی‌تا). اصول کافی. ترجمه سیدجواد مصطفوی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام).
- گولدو کولب، جولیبوس و ویلیام ل. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ویراستار محمد جواد زاهدی مازندرانی. تهران: انتشارات مازیار.
- مادلونگ، دبلیو. (۱۳۸۵). «امام محمدبن علی الجواد». ترجمه حسین مسعودی. در تصویر امامان شیعه در دایره المعارف اسلام. زیر نظر محمود تقی‌زاده داوری. قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- مامقانی، عبدالله. (بی‌تا). تنقیح المقال فی احوال الرجال. تهران: المرتضویه.
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۱۳ق). بحار الانوار. تحقیق و تعلیق محمدباقر محمودی. بی‌جا: بی‌نا.
- محمدی اشتهاردی، محمد. (۱۴۱۶ق). نگاه به زندگی امام جواد (علیه السلام). تهران: نشر مطهر.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. (۱۴۰۹ق). مروج الذهب و معادن الجواهر. تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید. بیروت: دارالمعرفه.

(سید علاءالدین شاهرخی، بهزاد پاکدل، غلامرضا رحیمیان)

- مفید، محمدبن محمدبن نعمان. (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب.
- نجاشی، احمد. (۱۴۰۷ق). رجال نجاشی. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- نویختی، حسن بن موسی. (۱۴۰۴ق). فرق الشیعہ. بیروت: دارالاضواء الاسلامیه.
- نیشابوری، فتال. (۱۴۰۶ق). روضه الواعظین. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- هثمی، علی بن ابی بکر. (۱۴۱۴ق). مجمع الزوائد و منبع الفوائد. تحقیق حسام الدین القدسی. قاهره: مکتبه القدسی.
- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب. (بی تا). تاریخ یعقوبی. بیروت: دارصادر.